

ماهیت تعامل زنجیره ای واژه ها در داستان کوتاهی از همینگوی: ارائه یک رهیافت تحلیلی برای بررسی عناصر انسجامی در متون نثر ادبی*

دکتر بیوک بهنام**

پکیده

چنین به نظر می رسد که الگوهای رایج در مطالعه عناصر انسجامی (Cohesive Elements) (ر.ک. Gutwinski: 1976 Halliday and Hasan: 1976) نقش مؤلفه های جامع تر گفتار را در آفرینش انسجام متنی به فراموشی سپرده اند. به بیانی دیگر، مطالب زیادی در خصوص «تارها» عرضه شده، اما از «پودها» کم تر سخن رفته است. از سوی دیگر، به طور کلی بررسی عملکرد این عناصر در متون ادبی - علیرغم چند مرور گذرا (ر.ک. Traugott and Pratt: 1980 Blake: 1990) - تا حدود زیادی مورد غفلت قرار گرفته است. در این مقاله، یکی از داستان های کوتاه همینگوی** (Indian Camp) به کمک طبقه بندی عناصر انسجامی و ارتباط دادن آنها به یکی از سه مؤلفه جامع تر گفتار

* - متن انگلیسی این مقاله در کنفرانس (Poetics and Linguistics association) PALA که در آوریل ۱۹۹۶ در شهر بلفاست برگزار شده بود، ارائه گردیده است. نیز متن اولیه این مقاله در چهارمین کنفرانس زبانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، (اسفند ۱۳۷۶) قرائت گردید.

** - عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس تبریز

داستانی یعنی شخصیت‌ها (*Participants*)، رویدادها (*Events*)، موقعیت‌ها (*Settings*) (ر.ک. *Grimes: 1975*) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این روش به تحلیل گروه‌خواننده متون نثر ادبی این امکان را می‌دهد که نه تنها ارتباط عناصر زبانی به هم پیوسته متونی را دریابد، بلکه نقش فزاینده این عناصر را در آفرینش و تبلور مفاهیم جامع تر گفتار داستانی - که در بالا به آنها اشاره شد - لمس نماید.

با توجه به این فرض که تنوع در صورت نشانگر تنوع در معناست، اجزای متشکله هر یک از زنجیره‌های انسجامی (*Cohesive Chains*) مورد بررسی قرار خواهند گرفت. علاوه بر این، رابطه بین عناصر زبانی زنجیره‌های مختلف با یکدیگر نیز کاوش خواهد شد. به طور خلاصه، دو ویژگی عمده این شیوه تحلیل عبارتند از:

الف) توصیف و بررسی رابطه موجود بین عناصر متشکله یک زنجیره انسجامی با عناصر متشکله سایر زنجیره‌های موجود در متن (ر.ک. مفهوم تعامل زنجیره‌ای: *'Chain Interaction'*; *Hasan: 1984, 1989*)

ب) تعبیر و تفسیر نتایج و اثرات سبک‌شناختی و منظورشناختی تعامل‌های فوق‌الذکر.

۱- مقدمه

یک متن مجموعه‌ای از عناصر به هم بافته زبانی است که پیامی یکپارچه را به خواننده عرضه می‌کند. نقش متن آفرینی این عناصر یکسان نیست، یعنی عناصری در متن وجود دارد که تفسیر و فهم آنها بدون ارجاع به عناصر دیگر - چه درون متنی (*Intratextual*) و چه بیرون متنی (*Extratextual*) و چه بینابینی (*Intertextual*) - میسر نمی‌باشد؛ از سوی دیگر، عناصری نیز وجود دارند که در کل به سیستم زبانی مربوط می‌شوند و تا حد زیادی قابل پیش‌بینی هستند، برای مثال:

الف) پدرم مرد مهربانی بود.

ب) او هرگز عصبانی نمی‌شد.

در جمله (الف)، خواننده بنا به دانش ساختاری زبان که در ذهن دارد (*mental grammar*) با خواندن کلمه «پدرم» در انتظار دریافت «گزاره» یا «خبری» راجع به او می‌باشد. این پدیده با نقش متن آفرینی عناصر زبانی که در مثال (ب) مورد نظر است کاملاً متفاوت است، یعنی در جمله (ب)

تفسیر کلمه «او» بدون ارجاع به جمله (الف) امکان پذیر نیست. این رابطه را اصطلاحاً انسجام متنی (Textual Cohesion) می گویند که بنا به نظر هالیدی و حسن (۱۹۷۶) آفرینش آن به دو طریق امکان پذیر است: الف) از طریق دستور، ب) از طریق واژگان.

در سطح دستور، چهار نوع رابطه انسجامی مورد بحث قرار گرفته اند که عبارتند از:

۱) ارجاع (Reference)

۲) جایگزینی (Substitution)

۳) حذف (Ellipsis)

۴) عطف (Conjunction)

در سطح واژگان، روابطی نظیر تکرار عین (Repetition)، مترادف (Synonymy)، شمول (Super-ordinate term) و غیره قابل ذکر است (ر. ک. همان منبع).

در مثال های مطرح شده در بالا رابطه «او» با «پدرم» رابطه ای است ارجاعی (دستوری) (Referential/Grammatical)؛ اما رابطه بین کلمه «مهربان» و «عصبانی نشدن» رابطه ای است واژگانی - معنایی (Lexico-semantic) و هرگاه وقوع این نوع عناصر به هم پیوسته بیش از دو مورد باشد، اصطلاحاً می گوئیم «زنجیره انسجامی» در متن پدید آمده است. هر گاه مابین اجزاء یک زنجیره معین (مثلاً زنجیره شخصیت ها) و اجزای زنجیره ای دیگر (مثلاً زنجیره رویدادها) پیوستگی وجود داشته باشد گوئیم «تعامل زنجیره ای» برقرار است.

انسجام به عنوان یکی از برجسته ترین ویژگی های متنی توجه بسیاری از پژوهشگران مسائل زبانشناسی را به خود جلب کرده است (ر. ک. Hoey, 1991 Halliday & Hasan, 1976. Carter & Nash, 1990 Leech & Short 1981, 1976). برخی پژوهشگران چارچوب انسجامی را در تحلیل متون ادبی - چه در نثر و چه نظم - به کار برده اند (برای مثال، ر. ک. Gutwinski, 1976).

بنظر نگارنده، آنچه در تحلیل عناصر یا اسباب انسجامی در متن حائز اهمیت است، صرف وقوع یا تواتر آنها نیست، بلکه تفسیر چرایی و چگونگی آنهاست، به بیانی دیگر توصیف روابط انسجامی در متن به تنهایی فاقد ارزش تحلیلی است، زیرا به نتیجه ای مطلوب و قابل اطمینان

نخواهد رسید، بلکه به همراه توصیف دقیق، تفسیر و تحلیل مستدل ضروری است. این مقاله تلاشی است هر چند ناقص، در این راستا.

۲- اهداف و محدوده تحقیق

مقاله حاضر اساساً دو هدف اساسی را دنبال می‌کند: ۱) ارائه یک شیوه تحلیلی از متون داستانی با تأکید بر داستان کوتاهی از همینگوی با عنوان Indian Camp، که برگرفته از آراء ر. حسن (۱۹۸۴) مفهوم «تعامل زنجیره‌ای» و گرایمز (۱۹۷۵) عناصر اساسی داستان: شخصیت، رویداد و موقعیت) می‌باشد. ۲) تفسیر اثرات منظور شناختی و سبک شناختی روابط موجود بین زنجیره‌های انسجامی ناظر بر شخصیت‌ها و زنجیره‌های انسجامی ناظر بر رویدادها. حاصل این تحقیق برای معلمان و فراگیران زبان و ادبیات انگلیسی به ویژه در محیط‌های غیر انگلیسی‌زبان و نیز برای افرادی که به نوعی با تجزیه و تحلیل متون سر و کار دارند، از جمله مترجمین، می‌تواند مفید واقع شود.

۳- شیوه تحقیق

روشی که در این مقاله به کار گرفته شده بر پایه فرض‌های اساسی چندی استوار است که جنبه‌های کارکردی عناصر انسجامی را در متن مورد توجه قرار می‌دهد. قبل از پرداختن به اصل موضوع، لازم است این مطلب کمی بسط داده شود: به زعم نگارنده، اولاً در بررسی روابط انسجامی (Cohesive relations) در متون نثر ادبی، ابتدا تشخیص اینکه کدام دسته از عناصر انسجامی در شکل‌گیری کدام یک از سه مؤلفه جامع‌تر گفتار داستانی (شخصیت‌ها، رویدادها و موقعیت‌ها) مشارکت دارند از اهمیت بالایی برخوردار است. به بیانی ساده‌تر، گروه معینی از عناصر انسجامی که بر اساس یک سلسله روابط به هم مربوط می‌شوند در تبلور یکی از عناصر جامع‌تر گفتار داستانی (شخصیت، رویداد، موقعیت) دخیل‌اند. به این ترتیب، با طرح مفاهیم کلی‌تر کلام و هدایت عناصر انسجامی در راستای یکی از آن مفاهیم کلی‌تر، هر عنصر در انسجام چارچوب وسیع‌تر و کارآتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. یعنی فراتر از نقشی که تاکنون در

مطالعات سنتی مربوط به انسجام در متن (برای مثال هلیدی و حسن ۱۹۷۶) بدان قائل شده اند. این طرز تلقی از روابط انسجامی امکانات کارآمد تازه ای را در اختیار تحلیل گر و خواننده قرار می دهد که به کمک آن کارآیی عناصر انسجامی نه در محدوده جمله، بلکه در قلمرو باز سخن، به گونه ای که در بالا اشاره شد، مورد توجه و استفاده قرار می گیرد. در نتیجه ابعاد مهم تری از تداوم (Continuity) و وحدت متونی (Textual unity) به نمایش گذاشته می شود. بنابراین نگرش، تحلیل گر نه فقط در پی یافتن حلقه ها بلکه در پی ترسیم زنجیره هایی است که از به هم پیوستگی این حلقه ها پدید می آید.

ثانیا توصیف پراکندگی و تنوع اجزای متشکله زنجیره های انسجامی از مهم ترین وظایف یک تحلیل گر در این روش به شمار می آید. به بیانی دیگر، انتخاب یک ابزار (ادوات) انسجامی (cohesive device) معین از سوی نویسنده از میان چندین صورت ممکنه در سیستم زبانی و هم چنین دیگر گزینی ها و نوسان های هدف دار وی از یک عنصر به عنصر دیگر در مراحل مختلف پردازش متن می تواند به تأثیرات نقشی و سبک شناختی عمیق و قابل توجهی منجر شود (ر. ک. لیچ و شورت^۱، ۱۹۸۱). بنا بر آنچه گفته شد شخصیت های این داستان ابتدا بر اساس عناصر ارجاعی (Referential elements) به کار گرفته شده توصیف و سپس منظور اصلی نویسنده از کاربرد هر یک از آن عناصر مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

ثالثا جنبه دیگری از عملکرد عناصر انسجامی در متون داستانی که حائز اهمیت شایانی بوده و قابل تعمق است توصیف مقابله ای رابطه موجود بین یک دسته از عناصر انسجامی یک زنجیره با عناصر انسجامی زنجیره های دیگر متن می باشد (ر. ک. مفهوم «تعامل زنجیره ای» ر. حسن ۱۹۸۴ و ۱۹۸۹). اعتقاد دارم به کمک شیوه ای که مختصرا در بالا بیان شد می توان چارچوب قابل قبول و مفیدی برای توصیف، مقایسه و مقابله روابط موجود میان عناصر انسجامی متن ارائه داد که طی آن تحلیل گر بتواند به یک منبع عینی تر و عملی تر تفسیر متون نثر ادبی دسترسی پیدا کند. برای مثال، با تأکید بر همایی و یا عدم همایی مکرر و نظام مند برخی از زنجیره های انسجامی که در حیطه

شمول یک شخصیت معین قرار می‌گیرند با برخی از زنجیره‌های انسجامی که به رویدادهای معینی عینیت می‌بخشند می‌توان از گرایش‌ات، جهان بینی و جهت گیری‌های هر یک از شخصیت‌ها و حتی خود نویسنده پرده برداشت. (لازم به ذکر است که در این مقاله، از زنجیره‌های مربوط به موقعیت به دلیل نقش سبک شناختی و کاربردی نه چندان پراهمیت که دارند و نیز به منظور رعایت اصل اختصار چشم پوشی شده است).

۴- روابط زنجیره‌های مهم در داستان

۴-۱- زنجیره شخصیت‌ها

شخصیت‌های این داستان را بنا به اشتراکات گروهی که دارند به دو دسته می‌توان تقسیم

بندی نمود: الف) سرخ پوست‌ها، ب) غیر سرخ پوست‌ها .

شخصیت‌های سرخپوست شامل:

Indian (Men), Young Woman, Old woman, Husband, Baby می‌باشند.

شخصیت‌های غیر سرخ پوست که در داستان نقش‌های برجسته‌ای ایفا می‌کنند عبارتند از:

Nick و Father و Uncle George.

۴-۲- زنجیره رویدادها

قبل از ارائه روابط زنجیره‌ای مربوط به رویدادها، لازم است مراد نگارنده از مفهوم رویداد

تیین شود. گرایمز (۱۹۷۵) مفهوم عام‌تری از این اصطلاح را به کار می‌برد که کمابیش معادل

است با سه فرآیند متمایز کلامی در متن (ر. ک. فیرکلاف^۱، ۱۹۸۹) یعنی کنش‌ها (Actions)؛

رویدادها (Events) که نوعاً در پاسخ سؤال «چه چیزی رخ داده است؟» می‌آید و فقط مستلزم

یک کنشگر (Participant) می‌باشد، و بالاخره رابطه اسنادی (Attributions) که فقط مستلزم

یک کنشگر بوده ولی دارای مشتقاتی از فعل «بودن» (to be) می‌باشد. مانند «ریگان خطرناک

است». نگارنده لفظ «رویداد» را به جای هر سه مقوله فوق الذکر به کار خواهد برد. (برای بحث مفصل تر پیرامون نظریه کنش ها، رجوع شود به ون دایک^۱، ۱۹۷۷ و فیر کلاف، ۱۹۸۹). نکته قابل ذکر دیگر این است که مبنای گزینش رویدادها، بسامد آنها در متن داستان می باشد که از دیدگاه نظریه انسجام متونی حائز اهمیت است، زیرا در نظریه انسجام متنی، تکرار یکی از عوامل مهم آفرینش انسجام محسوب می گردد.

۴-۳- تعامل زنجیره های انسجامی در متن: توازن انسجامی

(Cohesive Harmony: Hasan, 1984)

شاید بهتر باشد پیش از نمایش همبستگی بین زنجیره ها، وضعیت زنجیره های شخصیت ها و زنجیره های رویدادها را به طور خلاصه در جداول جداگانه ارائه دهیم تا توصیف همبستگی بین آنها آسان تر و مفهوم تر گردد:

الف) زنجیره مربوط به شخصیت ها:

جدول ش (۱): شخصیت و بسامد هر یک در داستان

	شخصیت ها	بسامد	
سرخ پوست	1. Men	۱۹	
	2. Woman	Young Woman	۳۲
		Old woman	۴
	3. Husband		۱۷
	4. Baby		۱۴
غیر سرخ پوست	1. Nick	۳۵	
	2. Father	۵۲	
	3. Uncle George	۱۹	

توضیح: ارجاع ناقص و حذف به قرینه در این جدول منظور نشده است.

ب) زنجیره های مربوط به رویدادها:

جدول ش (۲): رویدادها، بسامد و گوناگونی صورت های زبانی آنها

رویداد	مقوله فراگیر	بسامد	گوناگونی صورت‌های زبانی رویداد
E1	STATE (حالت)	24	Is-was-were-be-felt-are-am-looked
E2	Passivity (سکون/انفعال)	20	stood-stopped-lay-sit-still-held-rested-seated-got
E3	MOTION (حرکت)	31	shoved-row-started-working-moved-going-pulled-carried-walked-follow-came-rushed-rolled-mentioned-turn up
E4	PERCEPTION (ادراک)	25	heard-listen-watch-see-know-look-view-guess-think-felt
E5	ARTICULATION (بیان)	24	said-talked-asked-ordered-spoke
E6	CUTTING (بریدن)	11	cut-operate-bit-stitches-sew up-caesarian
E7	BIRTH (تولد)	7	have baby-being in labour-be born
E8	SCREAMING (فریاد)	8	noise-screamed-cried out-hard times
E9	DEATH (مرگ)	7	kill-do-dying-it

اکنون می‌خواهیم ببینیم کدام یک از زنجیره‌های شخصیت‌ها که در جدول شماره ۱ ارائه شد با کدام یک از زنجیره‌های رویدادها (جدول شماره ۲) در بافت داستان در رابطه‌کنش متقابل واقع شده‌اند؟

جدول زیر بوضوح این تعامل را نشان می دهد:

جدول شماره ۳: تعامل زنجیره ای بین شخصیت ها و رویدادها

شخصیت ها		رویدادهای مربوطه (حداقل بسامد منظور شده: ۲)								
		E1	E2	E3	E4	E5	E6	E7	E8	E9
سرخ پوست	1. Men	+	+	+	-	-	-	-	-	-
	2. Young woman	+	+	-	-	-	-	+	+	-
	3. Husband	+	+	-	-	-	+	-	-	+
غیرسرخ پوست	1. Nick	-	+	+	+	+	-	-	-	-
	2. Father	+	-	+	+	+	+	-	-	-
	3. Uncle George	-	+	+	-	+	-	-	-	-

توضیح: شخصیت های سرخپوست Old woman, Baby به سبب نقش تعاملی قابل اغماض، در این جدول منظور نشده اند.

علامت (+) به معنای وجود کنش متقابل یک شخصیت با یک رویداد است. مثلا Men با رویدادهای ۲ و ۳ ارتباط مستقیم دارد.

علامت (-) به معنای عدم وجود کنش متقابل یک شخصیت با یک رویداد است. مثلا Men با رویدادهای ۱ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ بی ارتباط است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵- از توصیف به تفسیر: جهت گیری و اندیشه مستتر؛ نوع دوستی یا نژاد پرستی؟

آنچه تا این جا انجام گرفته، توصیف واقعیات متنی بر مبنای نظریه انسجام متنی بوده است.

اکنون لازم است گامی فراتر رویم و به تفسیر بخشی از آن واقعیات توصیف شده همت گماریم.

در عرصه پژوهش های مربوط به انسجام متنی، اخیراً ضرورت عنایت خاص به توصیف

تفسیرگرا و هدفمند - در مقابل توصیف صرف روابط انسجامی - احساس شده است (برای مثال:

ر. ک. بین^۱، ۱۹۸۱ و اسمیت^۲ ۱۹۸۳). به یک معنا، آنچه سبک شناسی امروزی انجام می دهد

1- Beene

2- Smith

همین حرکت از توصیف به تفسیر می‌باشد که نه صرفاً توصیف‌صوری اجزای زبان است و نه برداشت‌های شخصی و غیر متن - مدار از نوع نقد ادبی سنتی. در این بخش تفسیر روابط موجود بین عناصر انسجامی درون زنجیره‌ای (Inter-chain relations) و بین زنجیره‌ای (Inter-chain relations) با تأکید بر دو مورد زیر هدف اصلی نویسنده است:

الف) ماهیت عناصر ارجاعی (Referential Elements) و توزیع آنها در متن

ب) ماهیت رابطه موجود بین شخصیت‌ها و رویدادها

۵-۱- ماهیت عناصر ارجاعی، پراکندگی و تواتر آنها در داستان

۵-۱-۱- عناصر ارجاعی

ابتدا از کیفیت ارجاع به شخصیت‌های سرخ‌پوست و پراکندگی آنها شروع می‌کنیم. این دسته از شخصیت‌ها به طور مرتب با عنوان کلی نژادی (Indians) نام‌گذاری می‌شوند. در میان صورت‌های متشکله زنجیره‌های شخصیت‌های سرخ‌پوست تنوع قابل توجه به چشم نمی‌خورد. در واقع نوعی بی‌نامی یا گمنامی نظام مند در مورد کلیه شخصیت‌های سرخ‌پوست صدق می‌کند. به این ترتیب به نظر می‌رسد نویسنده داستان از بذل یک هویت اجتماعی و شخصیتی با کنش متقابل مؤثر (Interactive role) به آنان دریغ ورزیده و در نتیجه آنان را در موقعیتی عاری از هویت اجتماعی موجه، اعتبار و حیثیت، قرار داده است. عناوین و القاب، بیانگر نقش اجتماعی افراد هستند. گروهی که بدون نام یا عنوان خاصی به آنان اشاره شود، در واقع «نفی ارج و احترام» آن گروه را می‌رساند ("Withdrawal of esteem": براون و گیلمن، ۱۹۷۶).

علی‌رغم عدم وجود گوناگونی نظام مند در ارجاع به شخصیت‌های سرخ‌پوست، موارد چندی که همسو با جهت‌گیری کلی نویسنده می‌باشند شایان ذکر هستند: Young woman یکبار با لفظ توهین آمیز «Squaw bitch» (جمله ش ۷۲) مورد خطاب قرار می‌گیرد. اگر چه وی چند بار از سوی دکتر (شخصیت اصلی غیر سرخ‌پوست) «lady» خطاب می‌شود، اما به نظر می‌رسد این خطاب نشانه شخصیت دادن دکتر به وی نبوده، بلکه بیشتر روشنگر به اصطلاح ادب و

شخصیت دکتر و تمایل او به حفظ فاصله اجتماعی و در نتیجه برقراری نوعی «رابطه ناهمپایه» اجتماعی (Power-Semantics براون و گیلمن ۱۹۷۶) بین دو گروه از شخصیت‌ها و گریز از برقراری «رابطه همبستگی» اجتماعی (Solidarity Semantics - همان‌جا) را می‌رساند. کاربرد عناوین Father و Husband برای یکی از سرخ پوست‌ها شاید به گونه دیگری قابل توجیه و تفسیر باشد، اگر چه از دیدگاه مطالعات رایج مربوط به انسجام به دلیل تواتر خیلی پایین‌حائز اهمیت چندانی نمی‌تواند باشد. شاید بتوان چنین ادعا کرد که عدم تواتر عناوین گوناگون برای یک شخصیت خود نشانگر محدودیت نقش‌های اجتماعی است که نویسنده برای وی قائل می‌شود. گاهی اهمیت آنچه بیان نمی‌کنیم یا کم‌رنگ‌تر بیان می‌کنیم کم‌تر از آنچه بیان می‌کنیم نیست. حتی گاهی اهمیت آن یکی از این یکی نیز بیشتر است.

از سویی دیگر، خواننده شاهد یک رابطه خودمانی‌تر و صمیمی‌ترین شخصیت‌های غیر سرخ پوست است که در اسم‌های خودمانی نظیر «Nickie» و «Daddy» و «George» متبلور است. تواتر کاربرد این اسم‌ها به حدی است که نمی‌توان آن‌را ندیده گرفت (ر. ک. جدول شماره ۱). کاربرد «Doctor» و «Father» به جای «Daddy» آن‌هم با تواتر بالا نشانگر نقش‌های اجتماعی دکتر می‌باشد. (این حالت در سبک‌شناسی اصطلاحاً چند اسمی Polyonomasia نامیده می‌شود که نمونه زیبایی از آن را می‌توان در رمان دن کیشوت سروانتس جستجو کرد و اسپیتزر^۱، ۱۹۶۲، به طور مفصل آن را توصیف کرده است).

۵-۱-۲- پراکندگی و تواتر شخصیت‌ها

بررسی مقابله‌ای پراکندگی، جایگاه و تواتر هر یک از مجموعه زنجیرهای انسجامی لایه‌های معنایی جدیدی را که به ظاهر چندان شفاف نیستند آشکار می‌سازد. اجازه دهید با شخصیت‌های غیر سرخ پوست شروع کنیم: شخصیت‌های غیر سرخ پوست (Nick و Father و George) از آغاز تا پایان در سراسر داستان توزیع شده‌اند. Nick و Father از همان جمله شماره ۲ و George از جمله شماره ۴ به خواننده معرفی می‌شوند. تکرار این شخصیت‌ها به طور هماهنگ و پیوسته در

کل متن داستان و تا پایان ادامه پیدا می‌کند (Father و Nick تا جملات پایانی (جمله شماره ۱۴۷) و George تا جمله شماره ۱۳۷). این توزیع به گونه‌ای که توصیف شد، به معنای تأکید نویسنده بر نقش فزاینده و برجسته سفید پوست‌ها در مقابل سرخ پوست‌ها می‌باشد که نقشی جز آنچه می‌توان به «نقش صامت» تعبیر کرد به ایشان محول نشده است. همان‌گونه که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، ۳۵ بار = Nick و ۵۲ بار = Father و ۱۹ بار = Uncle George تکرار شده‌اند. توزیع این شخصیت‌ها در سطح داستان به گونه‌ای است که نه تنها جایگاه آغازین بلکه جایگاه میانی و جایگاه پایانی را اشغال کرده‌اند.

اکنون اجازه بدهید وضعیت توزیع اجزاء مجموعه زنجیره‌های انسجامی در شخصیت‌های سرخ پوست را با اجزاء زنجیره‌های شخصیت‌های غیر سرخ پوست مقایسه کنیم: هر چند شخصیت‌های سرخ پوست در ابتدا هم زمان با شخصیت‌های غیر سرخ پوست به خواننده معرفی می‌شوند اما از جمله شماره ۹۲ به بعد که حداقل یک سوم کل متن را تشکیل می‌دهد، به طور کامل از صحنه فرآیند کلام حذف می‌شوند. علاوه بر این، حذف این شخصیت‌ها از جمله شماره ۳۴ الی ۷۱ نیز چشمگیر و در همان راستا قابل توجیه است. تواتر زنجیره Young woman به ظاهر چشمگیر است (۳۵ بار؛ ر. ک. جدول شماره ۱)، اما باید توجه داشت که این تواتر اهمیت و نقش او را از دیدگاه نویسنده منعکس نمی‌کند (زیرا هر تکراری نباید نشانه نقش مثبت و مؤثر شخصیتی تلقی شود، باید کلیه عوامل مؤثر را مد نظر داشت). یکی از دلایلی که بر این مدعا می‌توان ذکر کرد این است که کاربرد شخصیت مذکور تقریباً به طور مداوم با زنجیره Doctor گره خورده است. این زنجیره در کل داستان فقط به عنوان کنش پذیر (Patient) و نه به عنوان کنش گر (Agent) مطرح می‌شود. زندگی وی نیز در دست توانای دکتر است. در واقع، هر جا در متن سخن از Young woman به میان می‌آید جنبه‌ای از شخصیت دکتر بارورتر می‌شود. به طور خلاصه می‌توان گفت که مردان سرخ پوست از نظر پراکندگی و نقش متنی، در آغاز متن اگر چه سهمی ایفا می‌کنند، لیکن در ادامه متن نقش شان کم رنگ تر می‌شود، به طوری که در انتهای متن هیچ نقشی ندارند. Young woman و Husband نیز به سبب تأخیر در معرفی فقط در ادامه متن نقش دارند، اما نه در آغاز و نه در پایان داستان اثری از آنها به چشم نمی‌خورد.

۵-۲- ماهیت رابطه میان زنجیره های شخصیت ها و رویدادها در داستان

استحکام یک رهیافت تحلیلی علاوه بر توصیف عینی، دقیق و علمی عناصر، به کشف روابط موجود بین عناصر متن وابسته است. تصویری که در بالا از شخصیت های داستان ارائه شد به کمک مشاهدات دیگری مانند تعامل زنجیره ای واژه ها (ر.ک. جدول شماره ۳) قابل توجیه می باشد.

به طوری که جدول شماره ۳ نشان می دهد، Indian (Men) فقط با رویدادهای شماره ۲ و ۳ (یعنی زنجیره رویدادهای سکون / انفعال (Passivity) در تعامل است. Young woman با رویدادهای شماره ۱ (اسناد)، شماره ۲ (انفعالی)، شماره ۷ (مرگ) تعامل دارد. در مقابل، Nick (شخصیت غیر سرخ پوست) با رویدادهای شماره ۲، ۳، ۴ (ادراک)، و ۵ (بیان)؛ Father با رویدادهای ۱، ۳، ۴، ۵ و ۶ و George با رویدادهای شماره ۲، ۳ و ۵ همبستگی دارد.

با توجه به آنچه گفته شد تفاوت تعامل دو گروه از شخصیت های داستان با رویدادهای مطرح شده در داستان به قرار زیر است: کلیه شخصیت های سرخ پوست با زنجیره های «انفعالی» کنش متقابل مشترک را نشان می دهند، در صورتی که کلیه شخصیت های غیر سرخ پوست به طور مشترک با زنجیره های «حرکت» و «بیان» در تعامل هستند. علاوه بر این فقط شخصیت های غیر سرخ پوست هستند که با زنجیره های «ادراک» و «بیان» - یعنی دو مشخصه انسان متفکر مدنی - همبستگی دارند که این خود عامل تبلور سلطه و سروری آنان است. هیچکدام از شخصیت های سرخ پوست با این زنجیره ها همبستگی ندارند. هدف نویسنده از این استراتژی، شاید بازآفرینی غیر مستقیم یک تصویر وحشی، غیر مدنی و نادان از سرخ پوست ها در ذهن خواننده باشد. نکته جالب دیگر این است که Doctor و Husband هر دو با حادثه «بریدن» تعامل دارند، اما سفید پوست با بریدن حیات می بخشد (سزارین)؛ سرخ پوست با بریدن قصد جان خود می کند و هموست که با زنجیره «مرگ» پیوند انحصاری دارد.

تعامل انحصاری زنجیره های «ادراک» و «بیان» با یک گروه و محرومیت گروه دیگر از چنین تعاملی در حقیقت نوعی «توزیع نابرابر قدرت» (فاولر و کرس^۱، ۱۹۷۹؛ "Power-differential")

است که در اثر آن گروهی که به طور مرتب با زنجیره‌های «پرسش»، «پاسخ»، «دستور»، «صحبت»، «تفکر»، «دیدن»، «حدس زدن» مرتبط است (شخصیت‌های «قابل» غیر سرخ پوست) قادر است گروه دیگری را که به طور منظم با زنجیره‌های غیر ارتباطی و قالبی ("Stereotypical") پیش بینی (لانگ کر و لوینسون، ۱۹۷۸) (مانند «حرکت») همبستگی دارند در حد «شخصیت گرفتار» (فاولر و کرس) و نه ۱۹۷۹ ناملموس "Affected Participants" بیشتر، تحت کنترل داشته و بر آنها برتری کسب نماید. این ویژگی‌های به ظاهر درون متنی منشأ تضمین‌های عمیقی در خصوص شخصیت‌ها و نویسنده این داستان، رویکرد او به جامعه پیرامون خود، جهان بینی، باورها و عواطف اوست.

اگر بخواهیم این ملاحظات را در یک چارچوب کاربردشناسی اجتماعی (Social Pragmatics) بسنجیم، به طور کلی می‌توان گفت که افراد در هر موقعیت اجتماعی یا حائز «نقش گویا» هستند یا حائز «نقش شنوا» (ون دایک، ۱۹۷۷: "Speaking", "Hearing Function", "Function"). از مجموعه شخصیت‌های این داستان سرخ پوست‌ها، همان‌گونه که اشاره شد، فقط با زنجیره‌های مربوط به «نقش شنوایی» در تعامل هستند ولی غیر سرخ پوست‌ها با زنجیره‌های مربوط به «نقش گویایی» در تعامل می‌باشند. تواتر این تعامل به حدی است که می‌توان گفت نویسنده به یک برجسته‌سازی تعامل زنجیره‌ای (Foregrounding of Cohesive Interaction) دست زده است، یعنی نقش ارتباطی و کارکردی شخصیت‌های غیر سرخ پوست را برجسته‌سازی نموده است.

بر اساس آنچه تاکنون بیان شد، نگارنده بر این باور است که هیچ کدام از این‌گزینه‌ها، تواترها و پراکنندگی‌ها تصادفی نبوده و بلکه هدفدار می‌باشند. بررسی مقابله‌ای ویژگی زنجیره‌های انسجامی - چه از نظر ویژگی‌های درون زنجیره‌ای و چه از نظر ویژگی‌های میان زنجیره‌ای - یک خواننده کنجکاو و نکته‌سنج را به زیر ساخت معنایی متن که همانا یک جبهه‌گیری تعصب‌آمیز قومی و نژادی است رهنمون می‌سازد. بر اساس بررسی کیفیت و کمیت

اجزاء زنجیره ها و کنش متقابل آنها با یکدیگر، شاید بی ربط نباشد اگر ادعا کنیم که در این داستان طنین یک جهان بینی نژاد پرستانه به گوش خواننده می رسد. وجود الگوهای مشخص زبانشناختی در درون متن، بگونه ای که شرح آن رفت، گواه این مدعاست. قصد نهایی نویسنده این بوده است که به کمک این شگردها از سرخ پوست ها تصویری جاهل و مخرب و از غیر سرخ پوست ها تصویری آگاه و سازنده ارائه دهد.

۶- خلاصه و نتیجه گیری

هدف عمده نگارنده در این مقاله طبقه بندی و توصیف دقیق عناصر انسجامی در متن و تفسیر آنها بوده است. در این شیوه دو مرحله متمایز وجود دارد: الف) طبقه بندی و توصیف نشانه های صوری بر اساس ویژگی های انسجامی در متن؛ ب) تفسیر و توجیه و کاوش نقطه نظرهای به ظاهر پنهان نویسنده بر مبنای توصیف روابط موجود بین زنجیره های انسجامی رویدادها و شخصیت ها. شیوه کلی تحلیلی ارائه شده در این مقاله، مشابهت هایی با شیوه تحلیلی برخی از صاحب نظران این فن دارد، از جمله؛ اسپیتزر، ۱۹۶۲ - «از جزئیات پیرامون به باطن کانون»: «From outward details to inner centre» و ون ده ولده^۱، ۱۹۹۲، - مرحله توصیف، مرحله تفسیر تولید - مدار (Receiver-oriented: explicative) و مرحله تفسیر دریافت - مدار (Producer-oriented: evaluative).

نگارنده سعی کرده است نشان دهد که چگونه عناصر مهم همبافتی (Contextual) (شخصیت ها و رویدادها) در عناصر ملموس انسجامی متبلور می شوند و نیز چگونه ویژگی های انسجامی متن به شکل گیری عناصر کلان گفتمانی (آنچه با عنوان «مؤلفه های جامع تر گفتار داستانی: شخصیت، رویداد، موقعیت» مطرح کرده ایم) یاری می کند. اساس نظری این رویه تحلیلی این است که هر فعالیت مربوط به فهم کلام منوط به اطلاعات متن بافتی (Co-textual) و همبافتی می باشد. در واقع، در راستای همین فرض، نگارنده رهیافتی را ارائه کرده است که با

تأکید بر کارکرد تعاملی هر یک از زنجیره‌های انسجامی قابل توجه در متن، از میدان متن بافتی به میدان همبافتی سیر کرده است.

هر متن صحنه‌ای است که در آن جهت‌گیری‌ها، مقاصد، نگرش‌ها و برداشت‌های یک نویسنده به نمایش گذاشته می‌شود. هموست که خود به عنوان یک راوی واقف بر کل جریان رویدادهای داستان نقش یک شخصیت همه‌جانبه را ایفا می‌کند و در صدد است که مستقیم یا غیر مستقیم جهت‌گیری‌ها و باورهای خود را به خواننده القا نماید. متن این داستان یقیناً متنی است که در آن نویسنده در باب شخصیت‌ها و رویدادهای مربوط به آنها مستقیماً اظهار نظری نکرده است و بنابراین به ظاهر به دور از هر گونه جهت‌گیری مستقیم می‌باشد. شاید به همین دلیل است که بعضی‌ها اصولاً سبک همینگوی را «سبک مات» ("Flatness of style" سیمپسون^۱، ۱۹۹۲ و کارتر^۲، ۱۹۸۲) می‌نامند. علیرغم این واقعیت، نگارنده امیدوار است توانسته باشد با بررسی دقیق عملکرد زنجیره‌های انسجامی و ارتباط دادن آنها با مؤلفه‌های جامع‌تر گفتار داستانی، یعنی رویدادها و شخصیت‌ها، زوایایی از این واقعیت تصویر مات را شفافیت بخشیده و معانی باطن نویسنده را تا حدودی آشکار ساخته باشد.

در این مقاله بر اهمیت محوری متن به عنوان مجموعه‌ای از قطعات به هم تنیده اطلاعات که در زیر ساخت خود، معانی قابل استخراج نهفته دارند تأکید گذاشته شد. اکنون پرسش دیگری مطرح می‌شود و آن اینکه: «این نوع رهیافت به چه نحو می‌تواند در تجزیه و تحلیل متون بلند نظیر رمان به کار گرفته شود، چه مشکلات عملی در تحلیل ممکن است پیش بیایند و چه راه‌هایی برای حل آن مشکلات می‌توان پیشنهاد کرد؟» ارائه پاسخ به این پرسش و پرسش‌های احتمالی دیگر از جمله امکان یا چگونگی کاربرد این شیوه تحلیلی در ادبیات داستانی فارسی مجال دیگری می‌طلبند و امید است اربابان قلم به این مهم همت گمارند، ان شاء الله.

1- Simpson

2- Carter

منابع

- Beene, L.D. (1981). **The Pragmatics of Cohesion**. An Unpublished Ph.D. Thesis. University of Kansas. Ann Arbor: University Microfilm International.
- Black, N.F. (1990). **The Language of Literature**. London: Macmillan.
- Brown, R. , and Gilman, A. (1976). "The pronouns of power and solidarity". In **Language and Social Context: Selected Readings**, edited by P.P. Giglioli. Harmondsworth: Penguin. 252-282.
- Carter, R. (1982). "Style and interpretation in Hemingway's 'Cat in the Rain'". In R. Carter. Ed. **Language and Literature: An Introductory Reader in Stylistics**. London/New York: Routledge. 65-80.
- Carter, R. & Nash, W. (1990). **Seeing Through Language**. Blackwells.
- Fairclough, N. (1989). **Language and Power**. London: Longman.
- Fowler, R. , and Kress, G. (1979). "Critical linguistics". In **Language and Control**, edited by R. Fowler, B. Hodge, G. Kress, and T. Trew. London: Routledge and Kegan Paul. 185-213.
- Grimes, J. (1975). **The Thread of Discourse**. Berlin: Mouton Publishers.
- Gutwinski, W. (1976). **Cohesion in Literary Texts: A Study of Some Grammatical and Lexical Features of English Discourse**. The Hague/Paris: Mouton.
- Halliday, M.A.K., and Hasan, R. (1976). **Cohesion in English**. London: Longman.
- Hasan, R. (1984). "Coherence and cohesive harmony". In J. Flood, ed. **Understanding Reading Comprehension: Cognition, Language, and the Structure of Prose**. Delaware: International Reading Association. 181-219.
- Hasan, R. (1989). "The structure of a text". In M.A.K. Halliday and R. Hasan. (1989). **Language, Context , and Text: Aspects of Language in a Social Semiotic Perspective**. Oxford: Oxford University Press. 52-69.
- Leech, G.N. , and Short, M.H. (1981). **Style in Fiction: A Linguistic Introduction to English Fictional Prose**. London/New York: Longman.
- Longre, R., and Levinsohn, S. (1978). "Field analysis of discourse". In W. Dressler, ed. **Current Trends in Textlinguistics**. Berlin/New York: Walter de Gruyter. 103-122.

- Simpson, P. (1992). "Teaching stylistics: analysing cohesion and narrative structure in a short story by Ernest Hemingway". **Language and Literature** 1(1): 47-67.
- Smith, M.J. (1983). **The Effects of Text Cohesion of Reading Comprehension**. An Unpublished Ph.D. Thesis. University of Georgia.
- Spitzer, L. (1962). **Linguistics and Literary History: Essays in Stylistics**. New York: Russell & Russell Inc. Traugott, E.C., and Pratt, M.L. (1980). **Linguistics for Students of Literature**. New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Van de Velde, R.G. (1992). **Text and Thinking. On Some Roles of Thinking in Text Interpretation, Research in Text Theory/Untersuchungen zur texttheorie**, 18. Berlin/New York: Walter de Gruyter.
- Van Dijk, T.A. (1977). **Text and Context: Explorations in the Semantics and Pragmatics of Discourse**. London/New York: Longman.

پیوست

Indian Camp

By Ernest Hemingway

- (1) At the lake shore there was another rowboat drawn up. (2) The two Indians stood waiting.
- (2) Nick and his father got in the stern of the boat and the Indians shoved it off and one of them got in to row. (4) Uncle George sat in the stern of the camp rowboat. (5) The young Indian shoved the camp boat off and got in to row Uncle George.
- (6) The two boats started off in the dark. (7) Nick heard the oar-locks of the other boat quite a way ahead of them in the mist. (8) The Indians rowed with quick choppy strokes. (9) Nick lay back with his father's arm around him. (10) It was cold on the water. (11) The Indian who was rowing them was working very hard, but the other boat moved further ahead in the mist all the time.
- (12) "Where are we going, Dad?" Nick Asked.
- (13) "Over to the Indian Camp. (14) There is an Indian lady very sick."
- (15) "Oh", said Nick.

(16) Across the bay they found the other boat beached. (17) Uncle George was smoking a cigar in the dark. (18) The young Indian pulled the boat way up the beach. (19) Uncle George gave both the Indians cigars.

(20) They walked up from the beach through a meadow that was soaking wet with dew, following the young Indian who carried a lantern. (21) Then they went into the woods and followed a trail that led to the logging road that ran back into the hills. (22) It was much lighter on the logging road as the timber was cut away on both sides. (23) The young Indian stopped and blew out his lantern and they all walked on along the road.

(24) They came around a bend and a dog came out barking. (25) Ahead were the lights of the shanties where the Indian bark-peelers lived. (26) More dogs rushed out at them. (27) The two Indians sent them back to the shanties. (28) In the shanty nearest the road there was a light in the window. (29) An old woman stood in the doorway holding a lamp.

(30) Inside on a wooden bunk lay a young Indian woman. (31) She had been trying to have her baby for two days. (32) All the old women in the camp had been helping her. (33) The men had moved off up the road to sit in the dark and smoke out of range of the noise she made. (34) She screamed just as Nick and the two Indians followed his father and Uncle George into the shanty. (35) She lay in the lower bunk, very big under a quilt. (36) Her head was turned to one side. (37) In the upper bunk was her husband. (38) He had cut his foot very badly with an axe three days before. (39) He was smoking a pipe. (40) The room smelled very bad.

(41) Nick's father ordered some water to be put on the stove, and while it was heating he spoke to Nick.

(42) "This lady is going to have a baby, Nick," he said.

(43) "I know," said Nick.

(44) "You don't know," said his father. (45) "Listen to me. (46) What she is going through is called being in labor. (47) The baby wants to be born and she wants it to be born. (48) All her muscles are trying to get the baby born. (49) That is what is happening when she screams."

(50) "I see," Nick said.

(51) Just then the woman cried out.

(52) "Oh, Daddy, can't you give her something to make her stop screaming?" asked Nick.

(53) "No. (54) I haven't any anaesthetic," his father said. (55) "But her screams are not important. (56) I don't hear them because they are not important."

(57) The husband in the upper bunk rolled over against the wall.

(58) The woman in the kitchen motioned to the doctor that the water was hot.

(59) Nick's father went into the kitchen and poured about half of the water out of the big kettle into a basin. (60) Into the water left in the kettle he put several things he unwrapped from a handkerchief.

(61) "Those must boil," he said, and began to scrub his hands in the basin of hot water with a cake of soap he had brought from the camp. (62) Nick watched his father's hands scrubbing each other with the soap. (63) While his father washed his hands very carefully and thoroughly, he talked.

(64) "You see, Nick, babies are supposed to be born head first but sometimes they're not. (65) When they're not they make a lot of trouble for everybody.

(66) Maybe I'll have to operate on this lady. (67) We'll know in a little while."

(68) When he was satisfied with his hands he went in and went to work.

(69) "Pull back that quilt, will you, George?" he said. (70) I'd rather not touch it."

(71) Later when he started to operate Uncle George and three Indian men held the woman still. (72) She bit Uncle George in the arm and Uncle George said, "Damn squaw bitch!" and the young Indian who had rowed Uncle George over laughed at him. (73) Nick held the basin for his father. (74) It all took a long time.

(75) His father picked the baby up and slapped it to make it breathe and handed it to the old woman.

(76) "See, it's a boy, Nick," he said. (77) "how do you like being an interne?"

(78) Nick said, "All right." (79) He was looking away so as not to see what his father was doing.

(80) "There. (81) That gets it," said his father and put something into the basin.

(82) Nick didn't look at it.

(83) "Now," his father said, "there's some stitches to put in. (84) You can watch this or not, Nick, just as you like. (85) I'm going to sew up the incision I made."

(86) Nick did not watch. (87) His curiosity had been gone for a long time.

(88) His father finished and stood up. (89) Uncle George and the three Indian men stood up. (90) Nick put the basin out in the kitchen.

(91) Uncle George looked at his arm. (92) The young Indian smiled reminiscently.

(93) "I'll put some peroxide on that, George," the doctor said.

(94) He bent over the Indian woman. (95) She was quiet now and her eyes were closed. (96) She looked very pale. (97) She did not know what had become of the baby or anything.

(98) "I'll be back in the morning," the doctor said, standing up. (99) The nurse should be here from St. Ignace by noon and she'll bring everything we need."

(100) He was feeling exalted and talkative as football players are in the dressing-room after a game.

(101) "That's one for the medical journal, George," he said. (102) "Doing a Caesarian with a jack-knife and sewing it up with nine-foot, tapered gut leaders."

(103) Uncle George was standing against the wall, looking at his arm.

(104) "Oh, you're a great man, all right," he said.

(105) "Ought to have a look at the proud father. (106) They're usually the worst sufferers in these little affairs," the doctor said. (107) "I must say he took it all pretty quietly."

(108) He pulled back the blanket from the Indian's head. (109) His hand came away wet. (110) He mounted on the edge of the lower bunk with the lamp in one hand and looked in. (111) The Indian lay with his face toward the wall.

(112) His throat had been cut from ear to ear. (113) The blood rested on his left arm. (115) The open razor lay, edge up, in the blankets.

(116) "Take Nick out of the shanty, George," the doctor said.

(117) There was no need of that. (118) Nick, standing in the door of the kitchen, had a good view of the upper bunk when his father, the lamp in one hand, tipped the Indian's head back.

(119) It was just beginning to be daylight when they walked along the logging road back toward the lake. (120) "I'm terribly sorry I brought you along, Nickie," said his father, all his post-operative exhilaration gone. (121) "It was an awful mess to put you through."

(122) "Do ladies always have such a hard time having babies?" Nick asked.

(123) "No, that was very, very exceptional."

- (124) "Why did he kill himself, Daddy?"
- (125) "I don't know, Nick. (126) He couldn't stand things, I guess."
- (127) "Do many men kill themselves, Daddy?"
- (128) "Not very many, Nick."
- (129) "Do many women?"
- (130) "Hardly ever."
- (131) "Don't they ever?"
- (132) "Oh. Yes. (133) They do sometimes."
- (134) "Daddy?"
- (135) "Yes."
- (136) "Where did Uncle George go?"
- (137) "He'll turn up all right."
- (138) "Is dying hard, Daddy?"
- (139) "No, I think it's pretty easy. Nick. (140) It all depends."
- (141) They were seated in the boat. (142) Nick in the stern, his father rowing.
- (143) The sun was coming up over the hills. (144) A bass jumped, making a circle in the water. (145) Nick trailed his hand in the water. (146) It felt warm in the sharp chill of the morning.
- (147) In the early morning on the lake sitting in the stern of the boat with his father rowing, he felt quite sure that he would never die.